

هنر و ادبیات معاصر

* میدانید چرا؟!*

* تجزیه و تحلیل زندگی!

* گزارش یک موفقیت!

* بیائید فکر کنیم!

با اولین برخورد بعنوان فوق شاید گمان کردید که میخواهم برای شما از آخرین تحولات هنری و ادبی نظم و نثر، نقاشی و و مطالبی نوشته و نمونه‌هایی از هنرمندیهای شعرا و ادباء و... معاصر نقل کنم، ولی زیادتر از این فکر خود را مشغول نکنید، و اینرا هم در نظر بگیرید که در قرن معاصر همه چیز حتی کلامه هنر هم پوسته انداخته و لباسی دیگر بتن کرده است!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

* میدانید چرا؟!*

برای اینکه منم مثل شما هنگامیکه در مقابل صفحه عریض و طویل یکی از روزنامه‌های پرتیراژ نیمه رسمی کشور، باین تیتراژ درشت و سرصفحه «هنر و ادبیات معاصر» برخورددم، گمان کردم که این جریده شریفه! میخواهد از هنر و ادبیات و آخرین تحولات عصری آن سخن بگوید. ولی همینکه شروع بمطالعه کردم در همان لحظه اول فهمیدم که نویسنده محترم! این ستون هم متوجه تغییر واژه‌ها و پوسته انداختن اصطلاحات

شده و خواسته‌اند بگویند که خوانندگان نشریات معاصر توجه داشته باشند که اگر در روزنامه یا مجله معاصر (البته از قبیل همان روزنامه یا بتعبیر صحیح تر، روزی نامه) بالفاظی مانند: هنر و ادبیات و... بر خورد کردند، گمان نکنند که میخواهند برای آنان شعر یا نثر یا... بخوانند بلکه بدانند که در چنین زمینه‌ها از هنرهای واقعی عصر فضا نوردان!! نوشته میشود.

شاید کمی از قصه آگاه شده و دانستید که چه میخواهم بگویم. در صفحه ۱۰ همین روزنامه تحت عنوان «هنر و ادبیات معاصر» نوشته‌اند:

«يك سؤال از هفت تهیه‌کننده - کارگردان - هنر پیشه: صنعت سینمای ایران را چگونه میتوان ترقی و تکامل بخشید؟ مهدی میثاقیه - تهیه‌کننده.

... ما اکنون از لحاظ وسائل فنی مشابه کشورهای بزرگ تهیه‌کننده فیلم هستیم... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باید تهیه‌کننده (فیلم) بتواند سوژه‌ای را انتخاب کند که مورد توجه مردم قرار گیرد و بجای درس اخلاق، زندگی را تجزیه و تحلیل کند،

ملاحظه کنید! در عصری که تمام کشورهای پیشرفته مسئله‌های اخلاقی را در رأس مسائل پیچیده و حل نشده قلمداد کرده و از انحطاط اخلاقی نسل معاصر فریادشان گوش فلک را کرده است، در کشور ما که بقول این تهیه‌کننده، در ردیف کشورهای بزرگ تهیه‌کننده فیلم قرار دارد تازه باینجا رسیده‌اند که بجای درس اخلاق باید سوژه جالبی

که زندگی را تجزیه و تحلیل کند بمعرض نمایش در آورند .

تجزیه و تحلیل زندگی !

من هر چه فکر کردم که منظور این نویسنده را از تجزیه و تحلیل

زندگی «منهای درس اخلاق» بفهم چیزی بخاطرم نیامد .

ولی یکمرتبه ماجرای تحولات هنر و ادبیات معاصر در نظرم

جلوه کرده فهمیدم که نه تنها هنر و ادبیات معاصر دستخوش تغییر و تحول

گشته است ، بلکه همه مفاهیم حتی کلمه زندگی نیز در طوفان این

حادثه دامن خود را از دست داده است .

اینجا بود که تا حدی بمنظور نویسنده متمدن ! ! پی برده و فکر

کردم که شاید غرض ایشان از تجزیه و تحلیل زندگی ، نشان دادن تمام

گوشه های تاریک و روشن زندگی فرزندان آدم و حوا و بررسی

کامل کلیه زیر و بم های عضوی و جسمی آنان ! و پرده برداری از هر-

گونه ابهام در این زمینه ! و پی بردن با سرار سر به مهر دستگاه آفرینش

هریک میباشد ! !

شاید شما هم از این عبارت همین طور فهمیده باشید .

و راستی اگر معنی تجزیه و تحلیل زندگی بنظر این آقای یعنی این !!

پس : نه بر مرده برزنده باید گریست .

راستی در برابر این منطق که باید سوژه ای انتخاب کرد که بجای درس

اخلاق مورد توجه مردم قرار گیرد . . شما چه ارزشی میتوانید برای

مفاهیم انسانیت و اصول آدمیت از نظر این تهیه کننده فیلم قائل شوید ؟

زیرا در جایی که هدف گردانندگان سینما تنها جلب توجه مردم

باشد چیزی جز بی بند و باری و پشت پا زدن بمبانی اخلاقی و انسانیت

و افسار گسیختگی در ارضاء خواسته های حیوانی میتوان انتظار داشت؟! تازه هیچ میدانید که این نویسنده از چشم و چراغهای این طبقه و این صنف بشمار میرود، پس از دیگران چه توقع خواهید داشت؟

گزارش يك موفقیت

قابل توجه اینکه فعالیت و پشتکار این طبقه در انتخاب سوژه های جالب و مهارت آنان در تجزیه و تحلیل زندگی با اندازه ای با موفقیت و پیروزی روبرو شده و توانسته است توجه خرد و کلان را بخود جلب کند که در صفحه ۱۷ همین روزنامه گزارشی از نگرانی مقامات فرهنگی استان تهران راجع بر رفتن دانش آموزان بسینماها در ساعات درسی نقل کرده و در پایان همین گزارش خبر نگار این روزنامه شریفه خود را در این نگرانی سهیم دانسته و هر چه زود تر خواهان اجراء طرح جلوگیری از رفتن دانش آموزان بسینما در ساعات درسی شده است .

در این گزارش چنین مینویسد .

دانش آموزان تهران در ساعات درسی بسینما میروند

فرهنگ استان تهران مجدداً اعلام کرد که دانش آموزان نباید در ساعات درسی بسینما بروند ضمن بازرسیهائی که از طرف بازرسان اداره فرهنگ تهران بعمل آمده معلوم شده است که در نقاط شمال تهران دانش آموزان دختر و پسر مدارس در اوقات تحصیل بسینما میروند . و افراد ولگرد نیز در این نقاط موجبات ناراحتی دختران دانش آموز را فراهم میسازند فرهنگ تهران در مورد کنترل دانش آموزان ، امروز اعلام کرد که در تمام اوقاتی که مدارس مشغول کار تدریس هستند ، بازرسان فرهنگ تهران در جلوی سینماها مستقر میشوند تا اگر دانش آموزی

بسینما مراجعه کند از ورود او بسینما جلو گیری نمایند .
 فعلا تا اینجای این گزارش را خوب مطالعه کنید ، شاید آنچه
 بخاطر من آمده بنظر شما هم بیاید .



آیا توجه دانش آموزان دختر و پسر در ساعات تحصیلی بسینماها
 نتیجه انتخاب سوژه های جالب تهیه کنندگان و تجزیه و تحلیل آنان از
 زندگی نیست ؟

حالا اگر فرهنگ هر اندازه در راه جلو گیری دانش آموزان از
 رفتن بسینماها در ساعات درسی شدت عمل نشان دهد ، و هر روز گروهی
 با زرس را هم در جلوی سینماها مستقر کند ، آیا نتیجه ای در این راه
 خواهد گرفت ؟

تازه از کجا میدانید که خود این آقایان با زرسان در برابر
 سوژه های جالب توجه گردانندگان سینما ، علاقمند بتماشای
صحنه های تجزیه و تحلیل زندگی نشوند!

آنوقت در چنین زمینه (که خودشان جزو تماشاگران صحنه های
 تجزیه و تحلیل زندگی باشند) آیا چگونه میتوانند از رفتن دانش
 آموزان بسینماها جلو گیری کنند .

راستی داستان جلو گیری این آقایان از توجه دانش آموزان
 بسینماها ، با تسهیلاتی که از طرف مقامات مسئوله نسبت بقماش
 سوژه های جالب فیلمها داده میشود ، بی اختیار انسان را بیاد داستان
 شاخه بریدن ملا نصرالدین (قهرمان افسانه های قصه های خنده آور)

می‌اندازد .

میگویند ملا نصرالدین روزی در بالای درخت بر روی شاخه‌ای نشسته بود ، و با اره همان شاخه را از بیخ می‌برید ، رهگذری باو گفت که : با اینکار از درخت سقوط خواهی کرد هنوز حرف راهگذر تمام نشده بود که صدای شکستن شاخه در فضا طنین انداز شده و ملا بزمین سرنگون شد.



و اینک بقیه گزارش :

«ضمناً اکیپ هائی نیز مر کب از عده‌ای از بازرسان فرهنگ تهران با همکاری افراد پلیس باولگردانی که در جلوی مدارس مزاحم دختران میشوند مبارزه نمایند» .

بیایید فکر کنیم

آخر بیایید درست فکر کنیم ! راستی تجزیه و تحلیل زندگی منهای درس اخلاق غیر از این نتیجه ای خواهد داشت که گروهی ولگرد را بجان دختران دانش آموز بی گناه بیاندازد ؟ اگر واقعاً قصد جلوگیری از مفاسد داشته و دلتان برای سرگردانی و بیچارگی نسل حاضر سوخته است پس بیایید و از راه صحیحی در این مبارزه وارد شوید ! .

بیایید! بجای مستقر کردن بازرسان در جلوی سینماها «برنامه-

های تجزیه و تحلیل زندگی ، آنها را کنترل کنید .

بیایید بجای استمداد از مأمورین پلیس برای مبارزه با ولگردان

از نمایش فیلمهای جالب ! منهای اخلاق ! جلوگیری کرده و با این

مراکز وامکنه ولگرد ساز مبارزه کنید!

و در غیر این صورت جز نتیجه معکوس گرفته نخواهد شد، اگر باور ندارید! در آخرین قسمت همین گزارش دقت کنید! :
 خبر نگار مادر این زمینه می نویسد:

«متأسفانه از اول سال تحصیلی تا کنون چندین بار این موضوع از طرف فرهنگ عنوان شده ولی تا کنون عملاً اقدام مثبتی صورت نگرفته است؛ و در حال حاضر مشتری عمده سینماها در ساعات سه بعد از ظهر، دختران و پسران دانش آموز هستند.»



آیا شما خواننده عزیز در چنین زمینه احساس مسئولیت نمی کنید؟
 شما اگر نمیتوانید جلوی این سیل بنیان کن «بیماری تمدن» را بگیرید لااقل اینرا هم نمیتوانید که با پشتیبانی از نشریات اخلاقی و دینی از نیروی تخریبی و سرعت این سیل بکاهید؟! :

سر نوشت نسل آینده بدست شماست. دیگر نمیتوان با منفی بافی و آیه یأس خواندن گناه عقب نشینی خود را از جبهه مبارزه انسانیت، توجیه کنید. دیگر باندازه ای وقت دیر شده است که جز با فداکاری و شهادت و پایداری نمیتوان این عقب ماندگی را جبران کرد.

آری!- : کفاره شراب خوریهای بی حساب

هشیار در میانه مستان نشستن است

غدیریه

اثر: محمدصادق حشمت

انتخاب از يك قصیده

ز د پرچم مژده بر فلک بر	شدروز غدیر وعید اکبر
شد گوش سپهر هفتمین کبر	ز آوای نشاط و بانگ شادی
شد سلطنت علی مقرر	بر ملک خلافت الهی
در شرع نبی و لای رهبر	بردین خدا حصار محکم
و از دشمنیش بخشم داور	با دوستیش خدای خرسند
با خاتم انبیا برادر	بر جمله اوصیاء سر آمد
هر قطره ببحر جودش اندر	هر ذره ز آفتاب قدرش
عالم عالم جلال و فر	دریا دریا کرامت و فضل
جنت جوئی بجوی از این دور	عزت خواهی بخواه از این باب
ناید بسزا مدیح قنبر	مراچه و مدح وی که از ما
بر کند دراز حصار خیبر	آن نیست کمال وی که گویم
در سوره هل اتی بدقتر	مدحش بود آنکه حق رقم زد
از چون من و به زمن سخنور	ناید صفت علی عالی
از ذره چه نعت مهر انور	از قطره چه وصف بحر اعظم

وان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم (۱)
 تاملتی بدست خویش بر نامه خود را در گون نکند خداداد گون
 نخواهد کرد . قم - حوزه علمیه صندوق پستی شماره ۱۰

مهدی (طاهری) عضو انجمن علمی اسلام شناسی